

۲) تَعَوَى = ورع

(در پارسی)

أَهْلٌ = تناول

(خورد)

هر کدام ۱۵

۳) اَفَّ رَادَن - لَشَوْر

ب) اِشْرَاحٌ مِّن رُّسُوْدٍ - تَقْصِيْلٌ

هر کدام ۱۵

۴) اِنَّهُ اَجَامِدَةٌ : دَانِ مَاءٌ

ب) صُدَاعٌ : سِرْدَر

۵) ۱) هَانَا يَادَاشْ كَسْبَةٌ كَارِئِلُوْا اِحْمَامٌ رَادٌ ، ضِيَاعٌ نَهْمٌ نَهْمٌ

۲) صَدْرَتِيْهِ ، هَمَانَا خُدَا بَا صَبِيْرٌ يَسْتَاغِيْرُ اِيْت

۳) كَيْفِيْ اَزْ شَيْئَةٍ هِيَ اِمْوَادٌ مَشْتَمِلَةٌ تَقَلَّبَتْ

۴) قَبْلَ اَزْ شَرْعِ حَمَلَاتٍ رُبَانَةٌ عَرَضُوْرَتُنْدُ

۵) دَكُوْرَمٌ دَرْ عَزِيْمَةٍ كَارِ هَر كَرْدَم

۶) اَزْ اَزْ حَفْوَةٍ دَرْ جِسْمِيْ اَزْ دَوَاهِيْشِ رَا ضَرَبَتْ

هر کده ۱۵

۶) ۱) تَقْبِلَانِ / ۲) اُحْضَرْتُ / ۳) ذَكَرْنَا

۴) اَلْتَبَيُّ / ۵) لَا تَلْذِيْبَا / ۶) لَا تَلْبَسِي

هر کدام ۱۵

۷) الف) ۲

ب) ۱۱

ج) ۲

د) ۱

(ترکیبه -

هر کدام ۱۵

۸) الف) يُفَاعَلُ

ب) م - و

هر کدام ۱۵

④ ۱- اِسْمِی (اصلی) / ۲- حافظه (اتوبوس)

۳- عَصِر (آب) / ۴- عَلِیًّا (به حضورها)

هر کدام ۱۵

① الف) پانزدهم است که قبل از آستان هو آید ✓

ب) ریه هو توی ریه آستان اعصاب برای اتاق خواب است. X

ج) علامت راهمایی نذیر راه عابر پیاده و علاقه برای عابر در راه است ✓ هر کدام ۱۵

د) عربی کسبی است که دوست ندارد. ✓

② ۱. لغور

۲. شهر القلم

۳. عند القاضی

۴. نعم

۱۵

③ الف) الثانیة تماما

ب) رسالة

هر کدام ۱۵



حدیث پرهیزگار

صفت ۱

کارشناس حقوق دانشگاه شاه